

شخصیت عرفانی

و
اخلاقی
پیامبر

صلی الله علیه وآله

(۸)



محمد رضا امین زاده

بعثت حضرت محمد (ص)

خداوند متعال که رحمت و اسعۀ او بر همه موجودات سایه افکنده است، چنین مقرر فرمود که مظهر تام اسماء و صفاتش را در میان اهل زمین برانگیزد و همچنان که بر تمام اهل عالم (از ملائکه و آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست) منت گذاشته و او را واسطۀ رحمت تکوینی خویش قرار داده — بود، بار دیگر با رحمت خاص خویش او را واسطۀ رحمت تشریحی خویش قرار داد تا آنها را که دوست دارند الهی باشند، مشمول این رحمت گرداند.

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ^۱

۱ — سوره آل عمران/ ۱۶۴.

خداوند بر مؤمنین منت گذاشت هنگامی که در میانشان رسولی از خودشان برانگیخت (تا این که) آیات الهی (قرآن) را برایشان بخواند و آنها را پاک گرداند و کتاب و حکمت را به آنها بیاموزد اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکاری بسر می‌بردند.

انسان از استعدادی برخوردار است که جز با عمل به قوانین تشریحی و دینی به فعلیت نمی‌رسد و مظهر اسماء حق، قرار نمی‌گیرد و در نهایت به کمال شایسته اش نمی‌رسد. لذا حکمت خداوند متعال، اقتضاء می‌کند که آن استعداد را از فیض خویش محروم نسازد و آن را به جانب فعلیتش هدایت نماید. آن استعداد، حقیقتی است در مرتبه ملکوتی نفس و آن عقل است که با ظهور آن، سایر صفات انسانی (ایشاره، سخاوت، گذشت، عاطفه، کرامت، شرف و...) به ظهور می‌رسند. و لطف او نیز چنین اقتضاء دارد که انسان را به خود نزدیک سازد و این نمی‌شود مگر با بعث رسول و چنان که در مقاله قبل بیان شد، غایت ذاتی در خلقت عالم، محبت اوبه خود است، حب ذات، سبب و غایت آفرینش می‌باشد. اگر غیر از این بود، یعنی غایت ذاتی خارج از ذات او بود، نقص در ذات مقدس او لازم می‌آمد و نقص مساوی با امکان و نیازمندی است. در صورتی که او وجود صرف و کمال مطلق است و نقص هرگز بر ذات اقدس او راه ندارد و تجلی و ظهور او در موجودات، غایت بالعرض می‌باشد. بنابراین حکمت و لطف او در بعث رسول ناشی از حب ذات است تا انسانها با اطاعت از رسول، محل شهود اسماء او شوند و این اگر چه برای انسان غایت حقیقی است ولی برای او غایت عرضی است. انسان آنگاه به غایت حقیقی خویش می‌رسد که به خدا ایمان آورد و به تسبیح و حمد او مشغول شود و این مطلب محقق نمی‌شود مگر با واسطه رحمت در تشریح و وجود رسول و برانگیختن او؛ لذا در قرآن فرمود:

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتَتَّبِعُونَ
بُكْرَةً وَأَصِيلاً.^۲

براستی ما تو را ای رسول گرامی به عنوان گواه و بشارت دهنده و برحذر دارنده فرستادیم تا مردم به خدا و رسولش ایمان بیاورند و خدا را یاری کنند و او را تعظیم نمایند و صبح و شام او را تسبیح گویند.

«لام» در لُتُوْمُوا برای تعلیل است و معنایش این است که بعثت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) واسطه در تسبیح و یاری کردن و عظیم شمردن خدای متعال است.^۳

اگر چه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بدون واسطه مشمول فیض تشریحی الهی قرار می‌گیرد، آن چنانکه مشمول فیض تکوینی بدون واسطه بود، ولی دیگر انسانها با واسطه او به فیض تشریحی الهی نائل می‌شوند؛ آن چنان که با واسطه او مشمول فیض تکوینی خدای متعال می‌گردند.

و با توجه به همین نکته که او واسطه فیض در تشریح است، اطاعت او اطاعت خداست و بیعت با او بیعت با خدا و زیارت او زیارت خدای متعال می‌باشد. اباصلت از امام رضا (عبله السلام) در مورد حدیثی در رابطه با این که مؤمنین پروردگارشان را بر حسب منازلشان در بهشت زیارت می‌کنند سؤال می‌کند، حضرت می‌فرماید:

يَا أَبَاصَلْتِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ نَبِيَّهُ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمَلَائِكَةِ وَجَعَلَ طَاعَتَهُ طَاعَتَهُ وَمُتَابَعَتَهُ مُتَابَعَتَهُ وَزِيَارَتَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ زِيَارَتَهُ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»، وَقَالَ: «إِنَّ الدِّينَ يُبَايَعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايَعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»، وَقَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي فَقَدْ زَارَ اللَّهَ وَدَرَجَةُ النَّبِيِّ فِي الْجَنَّةِ أَرْفَعُ الدَّرَجَاتِ وَمَنْ زَارَهُ فِي دَرَجَتِهِ فِي الْجَنَّةِ مِنْ مَنْزِلِهِ فَقَدْ زَارَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.

ای اباصلت خداوند پیامبرش محمد (ص) را بر تمام خلقش از پیامبران و فرشتگان برتری داد و اطاعت او را مساوی با اطاعت خودش و زیارت آن حضرت را در دنیا و آخرت، زیارت خودش قرار داد و فرمود: کسی که رسول را اطاعت کند از خدا فرمان برده است و نیز فرمود: آنانی که با تو بیعت کردند در حقیقت با خدا بیعت کرده‌اند. دست خدا بالای دست ایشان است و پیامبر (ص) فرمودند: کسی که در حیاتم و بعد از وفاتم مرا زیارت کند در حقیقت خدا را زیارت کرده است و مقام پیامبر (ص) در بهشت بالاترین درجات و مقامات است و کسی که او را در درجه و منزل بهشتی اش زیارت کند در حقیقت، خدای تبارک و تعالی را زیارت کرده

۳ - المیزان ج ۱۸ ص ۲۹۸.

۵ - سوره فتح/ ۱۰.

۶ - عیون اخبار الرضا ج ۱/ ۱۱۵.

۴ - سوره نساء/ ۸۰.

است.

نبی گرامی اسلام حضرت محمد(ص) طبق روایاتی که از اهل بیت (ع) به ما رسیده در بیست و هفت رجب به رسالت مبعوث شد^۷ و اولین آیاتی که بر آن حضرت نازل شد آیات سوره علق بود:

إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...

او در بدترین زمانها مبعوث شد؛ زمانی که در شرق و غرب و در دریا و خشکی فساد شیوع پیدا کرده بود و انسان را به سقوط همیشگی فرا می‌خواند. قرآن در توصیف آن زمان چنین می‌گوید:

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ مَا كَتَبَتْ آيَاتِي لِلنَّاسِ^۸.

فساد و تباهی در خشکی و دریا به سبب آنچه کسب کردند ظاهر شد.
و علی (علیه السلام) در توصیف آن زمان فرمود:

بَعَثَهُ وَالنَّاسُ ضَالِّكٌ فِي حَيْرَةٍ وَخَائِطُونَ فِي فِتْنَةٍ قَدِ اسْتَهْوَتْهُمْ الْأَهْوَاءُ وَاسْتَرَلَتْهُمْ

الْكِبْرِيَاءُ...^۹

(خداوند) پیامبر(ص) را برانگیخت هنگامی که مردم (از راه حق) گمراه شده و (در) کار خویش و انتخاب راه) سرگردان بودند و از روی خبط و اشتباه در مسیر فتنه و فساد قدم می‌نهادند و هوی و آرزوها (ی بیجا) ایشان را فریفته و به طمع انداخته بود و کبر و نخوت آنها را به اشتباهکاری واداشته، ...

انسان، این موجود عاقل و مختار، آفریده شده بود تا زمین را مظهر حق و عبادتگاه الهی قرار دهد ولی هوای نفس و شیاطین که خود ملکوتی او را در لابلای حجابهای شهوت و غریزه‌های حیوانی و خودخواهی و حب دنیا پنهان ساخته بودند، عقل او را نیز در میان لجنهای هوس و تزویر مدفون کردند. با ظهور پیامبر(ص) که نویدبخش حیات دوباره خود ملکوتی و عقل انسان بود، قرآن (که تجلی گاه خدا بود) نازل شد تا انسانها با عمل به آن، مظهر حق شوند. علی (ع) در مورد بعثت آن حضرت فرمود:

۷ - بحار ج ۱۸ ص ۱۸۹ روایت ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴.

۸ - سوره روم/۴۱.

۹ - نهج البلاغه فیض خطبه ۹۴.

فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ وَمَنْ طَاعَ الشَّيْطَانَ إِلَى طَاعَتِهِ يَقْرَأْ قَدْبَيْتَهُ وَأَحْكَمَهُ... فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ.^{۱۰}

خداوند محمد (صلی الله علیه وآله) را به حق و راستی برانگیخت تا این که بندگانش را از (لجنزار) عبادت بتها باز داشته و به (گلستان) عبادت و بندگی او رهنمون گردد و از پیروی شیطان منع کرده به فرمانبرداری او سوق دهد، بوسیله قرآنی که آن را آشکار و محکم و استوار فرمود... بدین ترتیب خدای سبحان در کتابش خود را به ایشان نشان داد بی آنکه او را ببینند.

آن حضرت به جهت اخلاق کریمه‌ای که داشت، در سختی‌ها و حوادث و گرفتاریها شکیبامند، هیچگاه بر قومش نفرین نفرمود. آنگاه که آیه: فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ^{۱۱} نازل شد پیامبر به کوه صفا رفت و خطاب به اهل عالم ندا درداد: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، با شنیدن این ندای تکان دهنده، مردم به او خیره شدند. بعد به کوه مروه رفته و در آنجا نیز با صدای بلند رسالت خویش را بر جهانیان اعلام کرد. در این موقع ابوجهل سنگی به طرف آن حضرت انداخت که به پیشانی او اصابت کرد و سایر مشرکین نیز با پیروی از وی آن حضرت را سنگ باران کردند. رسول خدا به کوه پناه برد و به سنگی تکیه داد و چون جبرئیل بر او نازل شد حضرت فرمود: دیدی که قوم من چگونه با من رفتار کردند؟ گفتارم را تکذیب کرده و طردم نمودند. و چون فرشتگانی برای حمایت آن حضرت در مقابل مشرکین نازل شدند، حضرت خطاب به آنان فرمود:

قَدْ أَمَرْتُمْ بِطَاعَتِي؟ فَالْوَأُ نَعَمْ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَنَادَى: إِنِّي لَمْ أَبْعَثْ عَذَابًا إِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، دَعَوْنِي وَقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ...^{۱۲}

آیا مأمور هستید که از من اطاعت کنید؟ گفتند: بلی. پس (پیامبر ص) سرش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: بجهت عذاب مردم نیامده‌ام من آمده‌ام تا رحمت برای جهانیان باشم.

۱۰ - نهج البلاغه فیض خطبه ۱۴۷.

۱۱ - سوره حجر/۹۳: با صدای بلند آن چه را که مأموری به خلق برسان و از مشرکان روی

برگردان.

۱۲ - بحار ج ۱۸ ص ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳.

مرا با قوم و گذارید که اینها نادانند...

لذا او بیش از همه انبیاء اذیت شد.^{۱۳}

آری به سبب حلم، بردباری، سعه صدر، صبر و... او بود که قرآن درباره اش

فرمود:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ

رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ.^{۱۴}

به حقیقت رسولی از میان خودتان به سوی شما آمد که پریشانی و مصیبت شما بر او سخت تلخ است. در محبت بر شما حریص بوده و به گروندگان خود مهربان و دلسوز است.

وحی

وحی عبارت است از دریافت علوم و معارف و درک حقایق... از مبدأ

فیتاض به وساطت نورانیت روح اعظم (که عقل کل نامیده می شود) با مشاهده فرشته حامل وحی که از مراتب تنزلی آن روح کلی و از جمله جنود و خادم آن عقل کلی است.^{۱۵}

در مقالات قبیل آوردیم که نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) از مراتب وجودی برخوردار است که اول مرتبه آن نور اعظم یا اسم اعظم الهی است. لذا در این مرتبه، تمام حقایق بر آن حضرت مکشوف است. چنان که فرموده اند: لَوُكِّفَتَ الْإِنِّطَاءَ مَا أَرَدَتْ تَقِينًا. پیامبر به مقتضای این مرتبه، معلم جبرئیل و ملائکه و هر موجود دیگری است و راهی برای ملائکه حتی فرشته وحی به این مرتبه از کمال نیست. حضرت محمد (ص) به مقتضای این مرتبه، واسطه فیض در نزول جبرئیل است. ولی تنزل آن نور از عالی ترین مرتبه قرب به نازل ترین درجه وجود که تعلق آن به بدن جسمانی است و وجود حجابهای نورانی بسیار، حکم می کند که حقایق را از طریق وحی (با واسطه جبرئیل یا از وراء حجاب و یا بدون واسطه) درک کند و درک حقایق از هر طریق — با واسطه یا بدون واسطه — شهودی و حضوری است. چنان که در روایت وارد شده:

۱۳ — مَا أُوذِيَ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوْذِيَ فِي اللَّهِ (میزان الحکمة ج ۹ ص ۶۷۰).

۱۴ — سوره توبه/۱۲۸.

۱۵ — انوار جلیه ص ۱۲۷.

فَكَانَ يَأْتِيهِ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِثْلُ الَّذِي بَرَأَهُ بِعَيْنِهِ.^{۱۶}

آنچه از جانب خدای عزوجل بر پیامبر نازل می‌گشت مانند چیزی بود که آشکارا می‌دید. و لذا مرکز وحی، قلب پیامبر (ص) می‌باشد... فَأَتَتْهُ نَزْلُهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ، بر این اساس این گونه نیست که جبرئیل معلم آن حضرت باشد بلکه او حقایق و آیات الهی را از مقام نورانی آن حضرت می‌گیرد و به مرتبه نازله وجود آن حضرت فرود می‌آورد؛ بنابراین او خدمتگزار آن حضرت است. در برخی از روایات وارد شده که جبرئیل در هنگام نزول، اذن دخول از رسول گرامی اسلام (ص) می‌گیرد و مانند عبدی در مقابل حضرت است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: كَانَ جِبْرَائِيلُ إِذَا أَتَى النَّبِيَّ (ص) قَعَدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِعْدَةَ الْعَبْدِ وَكَانَ لَا يَدْخُلُ حَتَّى يَسْتَأْذِنَهُ.^{۱۷}

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: جبرئیل هنگام نزول، همچون عبدی در مقابل پیغمبر می‌نشست و بدون اجازه بر آن حضرت داخل نمی‌شد.

و در وحی بدون واسطه بود که حالت آن حضرت دگرگون می‌گشت:

عَنْ عُثَيْبِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) جُعِلَتْ فِدَاكَ أَلْعَشِيَّةَ الَّتِي كَانَتْ تُصِيبُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِذَا نَزَلَ عَلَيْهِ الْوَحْيُ؟، قَالَ: فَقَالَ ذَلِكَ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَحَدٌ ذَلِكَ إِذَا تَجَلَّى اللَّهُ لَهُ...^{۱۸}

زراره گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم فدایت گردم، غشوه‌ای که بر رسول خدا (ص) عارض می‌شد در چه هنگام از وحی بود؟

فرمودند: هنگامی بر آن حضرت عارض می‌گشت که بین او و خدا واسطه در وحی وجود نداشت. آن، هنگامی بود که خدا بر پیغمبر تجلی می‌کرد.

و نیز نقل شده است که بدن آن حضرت سنگین می‌شد. ^{۱۹} حکیم محقق ملا عبدالله مدرس رُوزری می‌گوید:

«و ظهور جبرئیل از برای حضرت رسالت (صلی الله علیه وآله) به صورت دجیه

۱۶ - بحار ج ۱۸ ص ۲۶۲ روایت ۱۶.

۱۷ - بحار ج ۱۸ ص ۲۵۶ روایت ۵ و ص ۲۶۰ روایت ۱۲ و ص ۲۶۸ روایت ۳۰ و ص ۲۷۱

روایت ۳۶.

۱۸ - بحار ج ۱۸ ص ۲۵۶ روایت ۶.

۱۹ - بحار ج ۱۸ ص ۲۶۳ روایت ۲۰.

کلبی، متواتر بلکه نزدیک به ضرورت اسلام است ولیکن صورت عینی خارجی بوده، نه خیالی... نه در عالم حس و ماده. اگر در عالم حس و ماده بود لازم می‌آمد که هر صحیح‌البصری با تحقق شرایط ایصار، توانایی دیدن آن مَلَك را داشته باشد و به اتفاق اهل اسلام چنین نبوده است. پس نبی گرامی اسلام (ص) او را به چشم دیگری می‌دیدند نه با دید حس... ولذا آن جناب در خواب می‌دیدند آنچه را که در بیداری می‌دیدند و واضح است که با دیده باطن بوده نه با دیده ظاهر. بلی اگر رأی آن حضرت تعلق بگیرد که دیگران نیز آن مَلَك را ببینند. می‌توانند ببینند»^{۲۰}.

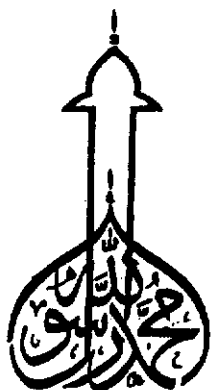
چنان که در روایت وارد شده است، مرتبة عالیة نفس پیامبر که از آن تعبیر به روح القدس می‌شود حامل نبوت بوده است و این روحی است که خواب و غفلت و سهو و اشتباه بر او عارض نمی‌شود.^{۲۱}

امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

... فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) رَسُولًا نَبِيًّا يَأْتِيهِ جِبْرِئِيلُ قَبْلًا فَيُكَلِّمُهُ وَيَرَاهُ وَيَأْتِيهِ فِي

الْأَنُومِ.^{۲۲}

رسول گرامی اسلام (ص) رسولی پیام آور بود. جبرئیل از پیش رو بر او وارد می‌شد. حضرت با او تکلم می‌کرد و او را می‌دید و در خواب (نیز) بر آن حضرت وارد می‌شد. به هر حال غرض از بعثت و وحی این بوده است که علوم و معارف و حقایق الهی به واسطه رسول الله (ص) به انسانها برسد و آنها را از نقص رهانیده به کمال شایسته ایشان برساند. تا هرکس در حد توانش، مظهر اسماء و صفات الهی گردد.



۲۰ - انوار جلیه ص ۱۲۹.

۲۱ - بخارج ۱۸ ص ۲۶۴ روایت ۲۱.

۲۲ - بخارج ۱۸ ص ۲۷۰ روایت ۳۵.